

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٢١٥٩ - ٢٠٠٩٧٢



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع

بررسی روایات سهوالنبی صلی الله علیه و آله وسلم

از مجموعه کتابخانه مرکزی قم  
تعمیر و مرمت

استاد راهنما: سیدرضا مؤدب

۱۳۸۸/۷/۱۶

استاد مشاور: غلامحسین اعرابی

پژوهشگر: ابراهیم یعقوبیان

تابستان ۸۸

۱۲۱۵۲۶



بررسی

تاریخ: ۸۸/۳/۲۴

شماره: ۴۵۴۴

پیوست: —

## صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: یعقوبیان ابراهیم

به شماره دانشجویی: ۸۶۱۳۲۰۱۰۰۹

رشته: علوم قرآن و حدیث

تحت عنوان: بررسی و تحلیل روایات سهو النبی

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۸/۰۶/۱۰ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۶/۲۵

نمره به حروف **لوزده و بیست و پنج** را با درجه عالی دریافت نمود.

نام خانوادگی و نام	سمت	نام خانوادگی	امضاء
مودب سید رضا	استاد راهنما	استاد	
اعرابی غلامحسین	استاد مشاور	استادیار	
نکونام جعفر	استاد ناظر	دانشیار	
تجری محمد علی	استاد ناظر	استادیار	
اعرابی غلامحسین	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی  
(نام و امضاء)

۱۳۸۸/۷/۱۶

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده  
نام و امضاء

سای:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

وبت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۲

وبت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

وبت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

## چکیده

یکی از موضوعاتی که در دو حوزه فقه و کلام همیشه مورد بحث قرار گرفته است مسأله سهوالتبی و وجود روایاتی در این رابطه است. موافقان و مخالفان نظریه سهوالتبی هریک به طرح دیدگاه خود پرداخته و آثاری عرضه نمودند. نجاشی در رجال خود برخی از پیشینیان مانند اسحاق بن حسن از راویان کتاب کلینی را نام می برد که به تألیف کتابی با عنوان «نفی السهو عن النبی صلی الله علیه و آله» پرداخته است. در مقابل ابن غضائری، قمی‌ها و در رأس همه شیخ صدوق و استاد او ابن الولید را باید از مدافعان جدی این نظریه دانست که نفی آن را غلو و معتقد به آن را غالی می‌پنداشتند.

بررسی همه جانبه این بحث که در شناخت جایگاه پیامبر و ائمه علیهم السلام و تفسیر آیات قرآن کریم و پذیرش یا رد بسیاری از روایات تأثیر مستقیم و جدی دارد ما را بر آن داشت تا به پژوهش ژرف‌تر و تحقیقی فزوت‌تر از آنچه پیشینیان به یادگار گذاشته‌اند، در این حوزه بپردازیم. لذا در این رساله ابتداء آراء فریقین (شیعه و اهل سنت) در مسأله عصمت را طرح نموده و اعتقاد اکثریت علماء شیعه مبنی بر عصمت مطلقه را تبیین نمودیم. سپس به ذکر روایات سهوالتبی پرداخته و دیدگاه علمای متقدم و متأخر شیعه در این مسأله را با مراجعه به منابع کلامی، فقهی، تفسیری و حدیثی ارائه نمودیم. با بررسی‌های سندی گسترده و بررسی دلالتی روایات دیدگاه سهوالتبی و همچنین نظریه اسهائ که قرائت دیگری از این روایات از سیوی شیخ صدوق بود را مورد نقد قرار دادیم و روشن گردید که ساحت معصوم و حریم عصمت والاتر از آن است که گرد سهو یا غبار اسهائ بر دامنش نشیند.

در پایان نیز روایات اِنامه که به جریان در خواب ماندن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همراهان آن حضرت و قضاء شدن نماز آنان و اِبار نخل که به موضوع منع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از گرده‌افشانی در مورد نخل‌های خرما اشاره دارد و بی ارتباط با موضوع مورد بحث نبود را مطرح نموده و در ترازوی نقد قرار دادیم و این همه نقدی است که به بازار خرد و اندیشه تقدیم داشتیم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واژه‌های کلیدی: عصمت ، سهوالتبی صلی الله علیه و آله ، اسهاء ، اِنامه و اِبارنخل.

تقدیم به :

پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی بن موسی الرضا علیه آله

التحیه و الثناء.

که هر چه دارم همه رهین منت اوست چرا که از ابتدای جوانی این توفیق رفیق

راه گردید که بتوانم در جوار آستان ملک پاسبان آن امام رئوف به تحصیل

بپردازم و مشمول عنایات حضرتش باشم.

یا أيها العزیز جئنا بیضاعه مزجاء.

## تقدیر و تشکر

هو الأول و الآخر

بار الها ! ترا سپاس می گویم که هر چه دارم و هر چه هستم همه از توست. خودت نعمت وجودم بخشیدی و استعداد تعلّم و تکامل را عنایت فرمودی، با شناساندن اولیائت راه رسیدن به خودت را نشانم دادی ، و فهماندی که در این سیر و صیروت مقصدی جز تو نداریم.

إنّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین.

شایسته است که به مصداق من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق از همه اساتید بزرگوارم که در طول دوران تحصیل از خرمن دانششان خوشه چینی نمودم ؛ قدردانی کنم، خاصّه از حضرت حجه الاسلام و المسلمین دکتر مودّب و حضرت حجه الاسلام و المسلمین دکتر اعرابی دامت برکاتهما.

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	کلیات
۱.....	مقدمه
۲.....	بیان مسأله
۲.....	معرفی، اهمیت و ضرورت
۳.....	هدف تحقیق
۳.....	پیشینه
۴.....	روش تحقیق
۵.....	سوالات:
۵.....	بیان فرضیه
۶.....	بخش نخست: مسأله عصمت و آراء مطرح شده پیرامون آن
۷.....	فصل اول: مفهوم شناسی واژه عصمت و معنای اصطلاحی آن
۷.....	۱- ۱. عصمت لطف الهی
۸.....	۱- ۲. قوه عاقله
۹.....	۱- ۳. ملکه نفسانی
۱۰.....	۱- ۴. نظریه مختار
۱۲.....	فصل دوم: آراء اهل سنت در مسأله عصمت
۱۶.....	فصل سوم: آراء علماء شیعه در مسأله عصمت
۱۶.....	۳- ۱. آراء متقدمین
۱۹.....	۳- ۲. آراء اندیشمندان معاصر
۱۹.....	۳- ۲- ۱. علامه طباطبایی
۲۰.....	۳- ۲- ۲. علامه حسن زاده آملی
۲۱.....	۳- ۲- ۲. آیت الله جوادی آملی
۲۱.....	۳- ۲- ۴. آیت الله سبحانی
۲۲.....	۳- ۳. آراء دانشمندان اسلامی در سخنان علامه مجلسی
۲۲.....	سخنان علامه مجلسی در بحار الانوار چنین است:
۲۸.....	۳- ۵. ادله عصمت
۳۲.....	۳- ۶. بررسی آیه ۱۲۴ سوره بقره
۳۶.....	۳- ۷. نقد دیدگاه علامه طباطبایی
۳۷.....	بخش دوم: بررسی روایات سهو النبی صلی الله علیه و آله و سلم
۳۸.....	فصل اول: روایات، آراء و دیدگاه ها
۳۸.....	۱- ۱. روایات سهو النبی صلی الله علیه و آله
۴۳.....	۱- ۲. شیخ صدوق و مسأله سهو النبی



- ۳-۱. آراء دیگر علماء شیعه در مسأله سهو النبی ..... ۴۵
- ۱-۳-۱. شیخ مفید ..... ۴۵
- ۲-۳-۱. شیخ طوسی ..... ۴۵
- ۳-۳-۱. امین الاسلام طبرسی ..... ۴۷
- ۴-۳-۱. محقق حلی ..... ۴۸
- ۵-۳-۱. خواجه نصیرالدین طوسی ..... ۵۱
- ۶-۳-۱. علامه حلی ..... ۵۱
- ۷-۳-۱. شهید اول ..... ۵۴
- ۸-۳-۱. علامه محمدتقی مجلسی ..... ۵۵
- ۹-۳-۱. علامه محمدباقر مجلسی ..... ۶۰
- ۱۰-۳-۱. قاضی نورالله شوشتری ..... ۶۳
- ۱۱-۳-۱. صاحب مدارک (سیدمحمد عاملی) ..... ۶۳
- ۱۲-۳-۱. خواجوی مازندرانی ..... ۶۳
- ۱۳-۳-۱. ملامحسن فیض کاشانی ..... ۶۴
- ۱۴-۳-۱. علامه محقق اردبیلی ..... ۶۴
- ۱۵-۳-۱. محقق نراقی ..... ۶۵
- ۱۶-۳-۱. شیخ حسن نجفی ..... ۶۶
- ۱۷-۳-۱. شیخ حر عاملی ..... ۶۷
- ۱۸-۳-۱. سید عبدالله شبیر ..... ۶۸
- ۱۹-۳-۱. علامه سید عبدالحسین شرفالدین ..... ۶۹
- ۲۰-۳-۱. علامه عسگری ..... ۷۲
- ۲۱-۳-۱. آیه الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری رضوان الله علیه ..... ۷۲
- ۲۲-۳-۱. آیت الله سبحانی ..... ۷۳
- ۲۳-۳-۱. آیت الله جوادی آملی ..... ۷۵
- ۴-۱. اشکالات شیخ مفید و پاسخهای علامه شوشتری ..... ۷۷
- فصل دوم : بررسی سندی روایات سهو النبی ..... ۸۳
- ۱-۲. عن جمیل قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل صلى ركعتين ..... ۸۳
- ۲-۲. عن أبي بصير قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل صلى ركعتين ..... ۸۹
- ۳-۲. عن الحارث بن المغيرة قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام إنا صلينا المغرب فسرهما الامام ..... ۹۴
- ۴-۲. عن الحضرمي عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله سها ..... ۹۴
- ۵-۲. عن زيد بن علي عن أبائه عن علي عليه السلام قال: صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وآله الظهر خمس ركعات ..... ۹۸
- ۶-۲. عن زيد الشحام قال: ان نبي الله صلى بالناس ركعتين ..... ۱۰۴
- ۷-۲. عن أبي سعيد القمّاط قال : سمعت رجلاً يسأل أبا عبدالله عليه السلام ..... ۱۰۸
- ۸-۲. عن سماعة بن مهران قال : قال : ابوعبدالله عليه السلام من حفظ سهوه ..... ۱۱۳

- ۹-۲. عن الحسن ابن صدقه قال: قلت لأبى الحسن الأول عليه السلام..... ۱۱۴
- ۱۰-۲. عن سعيد الأعرج قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول صلى الله عليه وآله ثم سلم في  
رکعتين..... ۱۱۷
- ۱۱-۲. عن الهروي قال: قلت للرضا عليه السلام يا بن رسول الله..... ۱۱۸
- ۱۲-۲. عن ابن القداح عن أبي عبدالله عن أبيه عليهما السلام قال: صلى النبي..... ۱۱۹
- فصل سوم: بررسی دلالتی روایات سهوالتبی..... ۱۲۲
- ۱-۳. تعارض روایات با دلائل عقلی..... ۱۲۲
- ۲-۳. تعارض روایات سهوالتبی با آیات قرآن کریم..... ۱۲۴
- ۳-۳. تعارض روایات سهوالتبی با روایات دیگر..... ۱۲۸
- ۴-۳. بررسی مساله سهوالتبی از منظر علم پیامبر صلى الله عليه وآله و آله و ائمه عليهم السلام..... ۱۳۳
- ۵-۳. بررسی نظریه اسهاء..... ۱۳۷
- ۶-۳. بررسی نظریه متصوفه..... ۱۳۸
- فرجام سخن..... ۱۴۱
- بررسی حدیث انامه..... ۱۴۲
- بررسی حدیث أبار نخل..... ۱۴۹
- پیشنهاد..... ۱۵۴
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۵۵

# کلیات

علمای شیعه در طول تاریخ در راستای حراست و صیانت از مرزهای فکری و عقیدتی و ایمانی از ایثار و نثار نفس و نفیس دریغ ننموده‌اند و با همتهای بلند و تلاشهای مستمر و شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور که موجب خطف بصر هر صاحب نظری است، نخائر و گنجینه‌های ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته‌اند تا چلچراغی فرا روی آیندگان برای رسیدن آنان به شاهراه سعادت و کمال قرار داده باشند. از اینرو انصاف حکم می‌کند که قدردان مجاهدات آنان که در واقع پی‌ریز بنای تمدن عظیم اسلامی انسانی و تشییید و تحکیم پایه‌های آن بوده است، باشیم. با این وجود اختلاف آراء و دیدگاه در پاره‌ای از مسائل و مباحث علمی و عقیدتی قابل انکار نمی‌باشد، که شاید ریشه در اختلاف در مبانی و گاه چگونگی تفسیر منابع و حتی مسائل اجتماعی هر عصر و مصری دارد.

از جمله این مباحث می‌توان به مسأله سهوالنبی اشاره داشت که در روایات متعددی وارد شده و معرکه آراء بوده و هست، و از زمانهای دور و عصور متقدم تاکنون اقوال گوناگونی پیرامون آن مطرح شده است. گروهی به نقد سندی و دلالی روایت پرداخته و معتقدند شأن پیامبر و امام برتر از آن است که گردو غبار سهو و نسیان بر دامن عصمتشان فرو نشیند لذا از این روایات اعراض نمودند، برخی نیز با ارائه قرائت دیگری از روایات مربوطه تحت عنوان اسهاء، بر این باورند که بین سهو و اسهاء تفاوت است. سهو از ناحیه شیطان و اسهاء از ناحیه خدای سبحان است و آنچه بر پیامبر عارض شده و روایات بدان اشاره دارد، اسهاء است و نه سهو. برای اسهاء مصالحی نیز برمی‌شمارند. شیخ صدوق و استاد ایشان ابن الولید را باید از معروف‌ترین مدافعان این نظریه به‌شمار آورد.

نظر به اهمیت موضوع و تأثیری که در شناخت جایگاه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و مقام و مرتبه آن حضرت و عترت طاهرین علیهما السلام دارد به بررسی تفصیلی این موضوع می‌پردازیم تا قول حق در مسأله روشن شود.

## بیان مسأله

در میان فرقه‌های اسلامی، تشیع را با ویژگی‌هایی از جمله اعتقاد به عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام می‌شناسند. دایره عصمت از دیدگاه بسیاری از علمای شیعه چنان گسترده است که شامل عصمت از سهو و نسیان نیز می‌شود. بدیهی است پذیرش این نظر تأثیرات جدی در حوزه شناخت، دانش و گرایش آدمی بر جای خواهد گذاشت. اما این نظریه با چالش‌هایی نیز مواجه است و گروهی با استناد به ظواهر برخی آیات و روایات، عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام از سهو و نسیان را مورد انکار قرار داده‌اند، مهمترین دلیل مخالفان وجود روایاتی است که به صراحت در آنها مسأله سهو پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و حتی در خواب‌ماندن و قضاء شدن نماز آن حضرت آمده است. این رساله عهده‌دار شرح و تبیین و بررسی روایات مربوطه و تحلیل دیدگاه موافقان و مخالفان سهوالنبی صلی‌الله علیه و آله و سلم است.

## معرفی، اهمیت و ضرورت

انبیاء علیهم‌السلام به اعتبار حضور و زندگی در کره خاکی و شأن، مسئولیت و جایگاهی که داشتند کارها و افعالشان از چهار قسم خارج نبوده است که عبارتند از: اعتقادات دینی، افعال دینی، تبلیغ احکام شریعت و تلاشها و کارهایی که مربوط به زندگی در این دنیا بوده است. عدم عصمت یا سهو در قسم اول و سوم بالاتفاق منتفی است، اما سهو در قسم دوم و چهارم یعنی در انجام اعمال و مناسک دینی یا در امور معیشت و مسائل زندگی مادی این جهانی مورد بحث و مناقشه قرار گرفته است که محور بحث ما نیز می‌باشد. اهمیت و ضرورت این مسأله که در پیش نیز آمد آن است که در صورت اثبات عصمت پیامبران یا عصمت نبی مکرم اسلام و عترت طاهرین علیهم‌السلام از سهو و نسیان نوع معرفت و تبعیت انسان از آن نوات مقدس و همچنین تحلیل ظواهر برخی آیات و روایات متفاوت خواهد شد. همچنین پاره‌ای از روایات که در استنباط احکام شرعی و صدور فتاوی مورد استناد قرار گرفته یا بالعکس طرد شده، مورد بازنگری قرار گرفته و آراء دیگری ارائه خواهد شد.

## هدف تحقیق

هدف آن است که با استناد به ادله روشن و محکم و طرح رأی صائب در رابطه با گستره عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینه تحلیل صحیح آیات و روایات اعتقادی و فقهی را فراهم آورده و معیاری در دست دهیم تا مفسر و محقق در ساحت فقه و اصول اعتقادی بتواند آراء سره از ناسره را تمیز دهد.

## پیشینه

این بحث قدمتی دیرینه دارد چه اینکه روایات سهوالنبی در کتب اربعه حدیثی شیعه و صحاح اهل سنت نقل شده است. از این رو در طول زمان از سوی دانشمندان شیعه و اهل سنت بحثهایی پیرامون روایات سهوالنبی صورت گرفته است. بنا به نقل نجاشی از جمله متقدمانی که روایات مربوطه را مورد نقد و بررسی قرار دادند اسحاق بن الحسن بن بکران ابوالحسین العقرائی التمار<sup>۱</sup> است که علیرغم نوشتن کتابی تحت عنوان «کتاب الرد علی الغلاه» کتابی تحت عنوان «نفی السهو عن النبی صلی الله علیه و آله» نوشته است.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعه رسائلی چند فهرست نموده است که از جمله آنها می توان به رساله فی سهوالنبی اثر شیخ سلیمان بن عبدالله الماحوزی<sup>۲</sup> م ۱۱۲۱ اشاره نمود. و اما رسائلی که از آنها استفاده نموده و یا مورد نقد قرار دادیم را با توضیحات بیشتری معرفی می کنیم تا در ضمن آن به تفاوت نوشته خود با آنها نیز اشاره کنیم.

علامه خواجهوی مازندرانی رساله ای در «سهوالنبی» به نگارش در آورده است، که در هیجده صفحه تنها به نقد پاسخ شیخ صفی الدین که علامه محمدتقی مجلسی آن را نقل کرده، اختصاص یافته است. شیخ حرّ عاملی نیز رساله ای نیز تحت عنوان: «التنبیه بالمعلوم من البرهان علب تنزیه المعصوم عن السهو و النسیان» در صد صفحه و (در دوازده فصل) به نگارش در آورده است. همّت اصلی شیخ به ذکر ادله بسیاری در اثبات اصل عصمت معطوف می شود و در نقد روایات سهوالنبی در یک صفحه به ذکر روایاتی که از نظر ایشان مورد توثیق نبوده، می پردازند و سپس ادله عقلی و نقلی معارض با سهوالنبی را ارائه می دهند، در هر صورت رساله ای ایشان به صورت گسترده تری به مساله سهوالنبی پرداخته است. آیه الله

<sup>۱</sup> احمد نجاشی، رجال نجاشی (قم: موسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ هـ)، ص ۷۴.

<sup>۲</sup> محمد محسن رازی [آقا بزرگ تهرانی]، الذریعه الی تصانیف الشیعه (بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ هـ)، ج ۱۲، ص ۲۶۶.

میرزا جواد آقا تبریزی در «نفی السهوالنّبی» در چهل و هفت صفحه تنها دو روایت از مجموع روایات سهوالنّبی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و در پایان حدیث‌نامه را به اختصار نقد می‌کنند و بالاخره قیصر تمیمی است که «روایات سهوالنّبی الاکرم» را در صد و سه صفحه ارائه می‌کند. ایشان به اختصار به نقد سند روایات و سپس تعارض آنها با ادله عقلی و نقلی پرداختند که به نظر می‌رسد در هر دو جهت متأثر از شیخ حرّ عاملی و روش او بوده است.

پاره‌ای از آنچه رساله ما را از رسائل مذکور متمایز می‌کند به شرح ذیل است:

۱. بررسی تفصیلی ادله عصمت از نگاه اهل سنت و شیعه.
  ۲. بررسی گسترده سندی روایات سهوالنّبی با مراجعه به منابع مهم رجالی شیعه.
  ۳. ذکر تفصیلی دیدگاه فقهاء و نوع تعامل آنها با رواه مورد بحث و روایات آنها.
  ۴. نقل تفصیلی آراء موافقان نظریه سهوالنّبی، خاصه علامه محقق شوشتری.
  ۵. بررسی مساله سهوالنّبی و نقد آن از منظر علم پیامبر و ائمه علیهم السلام.
- موارد فوق برخی از ویژگیها و امتیازات رساله ما نسبت به دیگر رسائل پیش گفته است، هر چند سعی آنها مشکور و فضل تقدّم آنان نیز ثابت است.

### روش تحقیق

در این تحقیق از منابع و مأخذ موجود در کتابخانه استفاده شده است و روش تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. از منابع نرم‌افزاری نیز در تهیه مطالب و نگارش رساله استفاده شده است.

### سوالات :

عصمت به چه معنی است و گستره و شمول آن چقدر است؟  
مسأله سهوالنّبّی از چه زمانی مطرح شده است؟  
آیا صدوق علیه‌الرحمه قائل به سهوالنّبّی بوده است یا إسهاء النّبّی تفاوت این دو مسأله در چیست؟  
آیا غیر از مرحوم صدوق کسان دیگری نیز سهوالنّبّی را پذیرفته‌اند یا خیر؟  
روایات سهوالنّبّی را چگونه باید تحلیل نمود؟

### بیان فرضیه

فرضیه اصلی آن است که، ادله عقلی و نقلی بر نفی سهو از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله دلالت دارد و ساحت مقدّس نبی مکرم اسلام و عترة طاهرین علیهم‌السلام از آن مبرا است. فرضیه‌های رقیب دو گونه است: یکی به دنبال اثبات اسهاء النّبّی و دیگری در صدد اثبات سهوالنّبّی است که به تفصیل در این رساله مطرح خواهد شد.



بخش نخست : مسأله عصمت و آراء مطرح شده  
پیرامون آن

## فصل اول: مفهوم‌شناسی واژه عصمت و معنای اصطلاحی آن

عصمت<sup>۱</sup> در لغت از ماده «عصم» مشتق شده و به معنای «منع» و «نگه‌داشتن» است. این جا به سه نظر اهل لغت اشاره می‌شود:

ابن‌فارس: «عصم أصل واحد صحیح يدلّ علی امساک و منع و ملازمه»<sup>۲</sup>  
یعنی لفظ عصمت از نظر ریشه‌شناسی یک معنی بیش ندارد و آن «تمسک و نگاهداری و منع و بازداری و ملازمت است».

راغب: «العصم الامساک و الاعتصام الاستمساک»<sup>۳</sup>

التحقیق: (ع - ص - م) در اصل به معنی حفظ توأم با دفاع است. «عصمته» یعنی او را حفظ کردم و از او دفاع نمودم (به معنای آنکه بدی را از او دفع کردم) در واقع در این ماده دو چیز قید شده است: حفظ و دفاع؛ نتیجه آنکه عصمت یعنی با دفع خطرها و ضررها کسی را حفظ کردن.<sup>۴</sup>

و اما در اصطلاح تعاریف و رهیافت‌های مختلفی به عصمت از سوی متکلمان اسلامی عرضه شده است که در این جا به گزارش و تحلیل مختصری از مهم‌ترین آنها خواهیم پرداخت.

### ۱ - ۱. عصمت لطف الهی

اکثر متکلمان عصمت را به «لطف» تفسیر می‌کنند که در پرتو آن وقوع معصیت و ترک اطاعت ممتنع می‌شود، در عین حالی که دارنده آن قادر بر معصیت و ترک اطاعت است. به کلام تنی چند از متکلمین اشاره می‌کنیم.

۱. لفظ عصمت با تمام مشتقات خود در قرآن سیزده بار وارده شده است. (جعفر سبحانی، منشور جاوید. قم: دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا]، ج ۵، ص ۴۰۴)

۲. احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق شهاب الدین ابو عمر (بیروت: دارالفکر، [بی تا])، ص ۷۷۹.

۳. حسین بن محمد [راغب اصفهانی]، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی. (قم: طلیعه نور، ۱۴۲۹)، ص ۵۶۹.

۴. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن کریم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش)، ج ۸، ص ۱۵۴.

شیخ مفید می‌نویسد: العصمه لطف یفعله بالمکلف بحيث یمتنع منه وقوع المعصیته و ترک الطاعه مع قدرته علیها.<sup>۱</sup>

علامه حلی: العصمه لطف خفی یفعله الله تعالی بالمکلف بحيث لایکون له داع یفرضی الی ترک الطاعه و ارتکاب المعصیته مع قدرته علی ذلك.<sup>۲</sup>

فاضل مقداد: والحقّ أنّ العصمه عباره عن لطف یفعله الله بالمکلف بحيث لایکون له مع ذلك داع الی ترک الطاعه و لا الی فعل المعصیته مع قدرته علی ذلك.<sup>۳</sup>

معنای تعریف مذکور که از اعلام ثلاثه نقل کردیم آن است که: عصمت لطفی است که خداوند در حق مکلف می‌کند تا او را از ترک اطاعت و ورود در معصیت منع کند، هر چند قادر بر آن است.

### تحلیل و بررسی

تعریف فوق به تفضلی بودن عصمت اشاره می‌کند اما روشن نمی‌کند که این لطف الهی چگونه پیامبر را از گزند گناه حفظ می‌کند. لذا فاضل مقداد در توضیح چگونگی نیل به مقام عصمت در پرتو لطف الهی می‌نویسد:

و یحصل انتظام ذلك اللطف بأن یحصل له ملکه مانعه من الفجور و الاقدام علی المعاصی، مضافا الی العلم بما فی الطاعه من الثواب و المعصیه من العقاب مع خوف المواخذة علی ترک الأولى و فعل المنسی.<sup>۴</sup>

مضمون این سخن آن است که نیل به مقام عصمت در سایه لطف الهی با امور ذیل میسر می‌شود:

۱. در نفس معصوم ملکه‌ای که مانع معصیت و فجور است به وجود می‌آید.

۲. علم و آگاهی معصوم از کیفر گناه و منافع اطاعت.

۳. ترس از مواخذة بر ترک اولی .

### ۱ - ۲ . قوه عاقله

گروهی عصمت را کمال قوه عاقله انسان می‌دانند و معتقدند که انسان معصوم قوه غضب و شهوت خویش را مطیع قوه عاقله قرار داده و از افراط و تفریط آن دو قوه جلوگیری می‌کند. بنابراین عصمت معلول قوه عاقله است. نفس آدمی در سایه غلبه قوه عاقله تکامل می‌یابد تا

۱. محمدبن محمد [شیخ مفید]، النکت الاعتقادیه (بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴هـ)، ص ۳۷.

۲. حسن بن یوسف [علامه حلی]، الباب الحادی عشر، شرح مقداد سیوری (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۳۷.

۳. مقداد سیوری، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، تحقیق سیدمهدی رجایی (قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵هـ)، ص ۳۰۱ همو، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، ص ۴۲. و، الانوار الجلالیه فی شرح الفصول التصریه ص ۱۴۹.

۴. همان ص ۳۰۲.

آنجا که عقل نظری که از قوای نفس ناطقه انسانی است مفتخر به استماع کلام الهی می‌شود و میتواند فرشتگان را از طریق تمثّل مشاهده کند و قوه عملی نفس نیز قدرت فاعلیّت یافته و بعضی عالم ماده مسخر وی خواهد بود. علامه نراقی سخن این دسته از حکماء را چنین گزارش می‌کند:

«دلیلی است که حکماء دیگر ذکر کرده‌اند و آن دلیل این است که قابل رتبه نبوت کسی است که جمیع قوای طبیعیّه و حیوانیه و نفسانیه او مطیع و منقاد و مقهور عقل او شده باشد و کسی که جمیع قوت‌های او تابع عقل او بشوند، محال است که معصیت از او سرزند و صادر شود، زیرا که جمیع معاصی در نظر عقل قبیح است و هر که معصیتی از او صادر شود تا یکی از قوت‌های او مثل قوت یا قوت شهوی یا غیرهما، بر عقل او غالب نشود، محال است که مرتکب معصیت شود. و این دلیل در کمال قوت و متانت است.<sup>۱</sup>

### تحلیل و بررسی

این که انسان دارای نفس ناطقه با خواص ویژه خود است مطابق اصول و مبانی فلسفی و عرفانی غیرقابل انکار است، اما نتیجه آن یعنی نیل به مقام نبوت و در پرتو آن عصمت اثبات - پذیر نیست. وجود قوه عاقله موجب برتری انسان و تکامل و تعالی نفس می‌گردد اما عصمت به معنای عام آن را اثبات نمی‌کند، بلکه حداکثر عصمت پیامبران در هنگام مواجهه با عقل فعال<sup>۲</sup> یعنی دریافت وحی را اثبات می‌کند، اما مقام ابلاغ وحی و تبلیغ دین و همچنین سائر افعال و رفتار پیامبر عصمت آن قابل اثبات نیست، چرا که به دلیل عدم تجرّد کامل نفس پیامبر و علاقه و ارتباط آن با بدن و عالم ماده، در معرض خطا است، مگر اینکه خداوند او را یاری رساند. پس لطف الهی را در مساله عصمت نمی‌توان نادیده انگاشت.

### ۱-۳. ملکه نفسانی

بعضی از متکلمان و فلاسفه عصمت را به ملکه نفسانی تعریف کرده‌اند که دارنده آن از ارتکاب گناهان مصونیت پیدا می‌کند. از جمله علامه نراقی می‌نویسد: «بدانکه عصمت عبارت است از «ملکه» که با وجود آن داعی بر معصیت نباشد و اگر چه قدرت بر آن داشته باشد.»<sup>۲</sup> فاضل مقداد نیز ملکه نفسانیّه را سبب دریافت لطف الهی می‌داند که در پرتو آن معصوم به مقام عصمت نائل می‌آید. او می‌نویسد:

۱. محمد مهدی نراقی، انیس الموحدین (تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۹ش)، ص ۹۹.

۲. حکمای مشاء معتقد بودند در هستی، ده عقل (جوهری که ذاتاً و فعلاً از ماده مجرّد است) در یک سلسله طولانی وجود دارد به نام عقول عشره. آخرین این عقول این ده گانه، عقل فعال نامیده می‌شود. به عقیده حکمای مشاء این عقل، نفوس و دیگر امور را از قوه به فعل بیرون می‌آورد، و اوست که نفوس و عقول جزئی را در این عالم افاضه می‌کند. (علی شیروانی، شرح مصطلحات فلسفی [قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷]، ص ۹۹).

۳. همان. ص ۹۷.